

بررسی قیام ۱۷ شهریور ۱۳۵۷ در مشهد

حسن شمس‌آبادی

◆ چکیده

حادثه ۱۷ شهریور ۱۳۵۷ از جمله حوادث و رویدادهای مهم انقلاب اسلامی به‌شمار می‌رود. در این روز، بیشتر شهرهای کشور شاهد تظاهرات میلیونی مردمی بود که ضمن لبیک گفتن به مرجعیت دینی و روحانیت، در خیابان‌ها ضد رژیم پهلوی شعار دادند. این تظاهرات در حالی روی داد که در ۱۱ شهریور، از سوی دولت، حکومت نظامی اعلام شده بود و این حرکت، بیانگر بی‌اعتنایی کامل مبارزان و مردم به اقدامات و تمهیدات صورت‌گرفته از سوی حکومت بود.

در مشهد، این روز مصادف با بازگشت آیت‌الله سید حسن قمی پس از یک دوره تبعید ۱۳ ساله به کرج بود. ورود ایشان به مشهد باعث شدت یافتن تظاهرات و اعتصابات و همچنین قوت قلبی برای مبارزان گردید. از سویی دیگر، بازگشت ایشان بر شهرت و نفوذ وی در بین توده‌های مردمی افزود و بیت ایشان مجدداً کانون مبارزات قرار گرفت.

کشته و زخمی شدن عده‌ای از مردم در ۱۷ شهریور در میدان ژاله تهران، مشهد و دیگر شهرها وضعیت

را در کشور بحرانی‌تر کرد. روحانیت مشهد با محوریت آیات سید عبدالله شیرازی و قمی با صدور اعلامیه‌های متعددی، ضمن محکوم ساختن این حادثه، در سراسر کشور عزای عمومی اعلام کردند و بر ادامه مبارزه تا سرنگونی کامل رژیم تأکید نمودند.

در مقاله پیش رو، سعی شده تا فرایند قیام ۱۷ شهریور در مشهد و واکنش جامعه روحانیت این شهر در قبال این حادثه مورد کنکاش و بررسی قرار گیرد و بدین ترتیب، زوایای این حادثه در مشهد آشکار و شفاف گردد.

واژگان کلیدی: قیام ۱۷ شهریور، مشهد، انقلاب اسلامی، علما، آیت‌الله سید حسن قمی.



◆ تمهیدات دولت، قبل از ۱۷ شهریور

با نزدیک شدن به ۱۷ شهریور و اوج گرفتن تظاهرات سراسری در تمام شهرهای ایران، رژیم که از این حوادث نگران شده و به هراس افتاده بود، با انتشار اطلاعیه‌ای برپایی هر گونه اجتماع و راهپیمایی را بدون هماهنگی با شهربانی ممنوع اعلام کرد و حتی تهدید نمود که دستورات لازم را در این زمینه به مسئولان انتظامی اعلام نمود و با متخلفان از این مقررات به شدت برخورد خواهد کرد. در این اطلاعیه از اقدامات دولت جهت آزادی‌های سیاسی و قانونی، تمجید شده و اغتشاشات و ناآرامی‌ها به سوءاستفاده‌کنندگان نسبت داده شده بود:

به طوری که هم‌میهنان عزیز، آگاه هستند دولت از بدو تشکیل، هم خود را مصروف آزادی‌های قلم، بیان و اجتماعات ساخته است ولی متأسفانه دست‌هایی پنهان با استفاده از روش‌های شناخته‌شده در صدد سوءاستفاده از این شرایط برآمده است و با تشکیل اجتماعات و ترتیب تظاهرات، مطالبی را که صریحاً برخلاف قوانین کشوری است مطرح می‌سازند و با دست زدن به اغتشاش و تخریب و با سلب آسایش و امنیت موجبات نگرانی همگانی را فراهم می‌آورند. در برابر این مخاطرات و به منظور تأمین آسایش عموم و جلوگیری از اقدامات خرابکارانه، دولت مقرر می‌دارد که تشکیل اجتماعات با اجازه شهربانی و فقط در محلهایی که موجب سد معبر نباشد آزاد است و به مسئولان

انتظامی دستور داده شده است که از تشکیل اجتماعات بدون اجازه در معابر عمومی شدیداً جلوگیری نماید.^۱

با اوج گرفتن تظاهرات، بعدازظهر روز پنجشنبه مورخ ۵۷/۶/۱۶، شورای امنیت ملی، متشکل از نخست‌وزیر، وزیر امور خارجه، رئیس ستاد ارتش، رئیس ساواک، رئیس شهربانی، فرمانده ژاندارمری و وزیر کشور، جلسه اضطراری تشکیل داد تا جهت مقابله با گسترش تظاهرات و وقایعی که در آن روزها گریبانگیر کشور بود، تصمیم‌گیری کند.

در این جلسه نخست‌وزیر، شریف‌امامی، که ریاست جلسه را برعهده داشت پیشنهاد کرد که جهت یکسره نمودن کار و ایجاد خفقان، در اکثر شهرهای کشور حکومت نظامی اعلام گردد چرا که اعلام حکومت نظامی تنها در تهران، مشکلی را حل خواهد کرد:

پس از گفتگوهای بسیار در مورد اعلام حکومت نظامی و مشورت‌های تلفنی با شاه، متنی توسط منوچهر آزمون، وزیر مشاور در امور اجرایی، تهیه و مقرر شد از ۱۳۵۷/۶/۱۷ در ۱۲ شهر کشور حکومت نظامی اعلام گردد.

بنده نظر آقایان را می‌خواستم که اگر موافقت بکنید ما تهران، اصفهان، شیراز، یزد، تبریز، قم، مشهد را اعلام بکنیم همزمان و کار را یکسره

بکنیم. من این‌طور فکر می‌کردم که اگر تهران را اعلام بکنیم، خوب فردا همین بساط در یزد یا در شیراز خواهد بود، آن‌وقت چه می‌شود...^۲

بیشتر اعضای شرکت‌کننده ضمن تأیید این مسئله بر این نکته تأکید کردند که حداقل مدت

۱. بولتن خبرگزاری پارس (اخبار ایران)، ش ۱۷۰، (۵۷/۶/۱۵): ص ۸.

۲. تصمیم شوم، جمعه خونین؛ مشروح مذاکرات امنیت ملی و هیئت دولت در ۵۷/۶/۱۶ و مشروح مذاکرات شورای امنیت ملی در ۵۷/۶/۱۸ (تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۶)، ص ۳۷ و ۳۸.

حکومت نظامی ۶ ماه باشد. از نکات جالبی که در این جلسه مورد بررسی قرار گرفت علت نارضایتی مردم بود و مسائلی چون دزدی‌های کلان، بی‌قانونی، خیانت مسئولان، خروج بی‌حساب پول و ثروت از کشور، رشوه‌های کلان، رفتار برخی از سران مملکت و... از جمله دلایل نارضایتی مردم اعلام شد.^۱ تأکید اعضای شرکت‌کننده در جلسه بر این مسائل به عنوان دلایل نارضایتی مردم، باعث ناراحتی و عصبانیت نخست‌وزیر شد به طوری که بیان کرد: «هر کدام یک‌جور، ما پدر مردم را درآوردیم...»^۲

جلسه مذکور تا پاسی از شب ادامه یافت. پس از گفتگوهای بسیار در مورد اعلام حکومت نظامی و مشورت‌های تلفنی با شاه، متنی توسط منوچهر آزمون، وزیر مشاور در امور اجرایی، تهیه و مقرر شد از ۱۳۵۷/۶/۱۷ در ۱۲ شهرکشور حکومت نظامی اعلام گردد. در این راستا در اعلامیه‌ای که از سوی دولت منتشر شد، تظاهرات و راهپیمایی‌های مردم، برهم زدن نظم عمومی و اغتشاش تعبیر شد و ریشه‌های این ناآرامی‌ها «پول و نقشه خارجی و تحریکات بیگانه» قلمداد گردید. در این اعلامیه، دولت درباره علت برقراری حکومت نظامی اعلام کرد:

دولت با اعتقاد کامل به اجرای قانون اساسی و به اصل آزادی‌های ملی که قوه مقننه ایران مظهر و محل تبلور آن است، با عزمی راسخ و با وجدانی بیدار و به نام همه مردم، به منظور حراست از موجودیت و وحدانیت ملی و برای آنکه فرصت داشته باشد با اقدامات لازم در جهت تأمین هر چه بیشتر رفاه عامه مردم و حفظ آهنگ توسعه سالم اقتصادی و انجام سریع و قاطع اصلاحات اداری و تأمین عدالت اجتماعی و مبارزه با فساد و تأمین آزادی‌های واقعی در جهت رفع علل نارضایتی‌های مردم اقدام کند و در محیطی آرام و با تلاشی مؤثر به نگرانی‌های همگانی خاتمه دهد، ناگزیر حکومت نظامی را برای ۶ ماه در شهرهای تهران، کرج، قزوین، قم، مشهد، تبریز، اهواز، آبادان، اصفهان،

۱. همان، ص ۳۹.

۲. همان، ص ۸۸.

شیراز، کازرون و جهرم اعلام می‌نماید.^۱
 اوضاع و شرایط حاکم بر جامعه بسیار حساس بود. اردشیر زاهدی که از بعدازظهر روز پنجشنبه ۵۷/۶/۱۶ تا صبح فردای آن روز نزد شاه بود و گزارش‌ها را لحظه به لحظه به اطلاع او می‌رساند، درباره شرایط حساس حاکم بر جامعه چنین می‌گوید:

مرتب نخست‌وزیر تلفن می‌کرد حضور اعلیحضرت که همه نظر دارند که

حکومت نظامی بشود. من نظرم را به اعلیحضرت عرض کردم که حکومت نظامی اعلام نشود، برای خاطر اینکه اگر این کار بشود، با این عجله، ممکن است نتیجه خوبی نداشته باشد. من معتقد بودم اگر می‌خواهند که حکومت نظامی اعلام بکنند، اقلایک روز، دو روز مردم وقت داشته باشند که بدانند. آن شب حتی تا ساعت ۴ صبح طول کشید، بالاخره اعلیحضرت نظر هیئت دولت را قبول کردند... و بالاخره گویا نزدیکی‌های صبح بود که دولت حکومت نظامی اعلام کرد چون من وقتی داشتم می‌رفتم به منزل نزدیکی‌های صبح بود. دیدم که اتومبیل پلیس می‌گردد و اعلام حکومت نظامی می‌کند.^۲

◆ تظاهرات عید فطر در مشهد

روز ۱۳ شهریور ۱۳۵۷، مصادف با عید فطر بود. در این روز در مشهد تظاهرات دامنه‌داری با حضور ده‌ها هزار زن و مرد صورت گرفت که در نوع خود بی‌نظیر بود. در این راهپیمایی

۱. بولتن خبرگزاری پارس (اخبار ایران)، ش ۱۷۲ (۵۷/۶/۱۷): ص ۵ و ۶.

۲. عبدالرضا هوشنگ مهدوی، انقلاب ایران به روایت بی‌بی‌سی (تهران: طرح نو، ۱۳۷۲)، ص ۲۳۰.

گروه‌هایی از اصناف و بازاریان، بانوان و همچنین علمای مشهد از جمله سید کاظم مرعشی، محمدمهدی نوغانی، میرزا جواد آقا تهرانی و ابوالحسن شیرازی و همچنین نماینده آیت‌الله شیرازی حضور داشتند. در این تظاهرات آیات عظام و مدرسان طراز اول مشهد و هزاران مرد و زن در حالی که پلاکاردها و پارچه نوشته‌هایی را با خود حمل می‌کردند، بیش از ۴ ساعت در خیابان‌های منتهی به حرم مطهر و در صفوف منظم، راهپیمایی کردند. از نکات قابل توجه در تظاهرات این روز این بود که مأموران انتظامی، مزاحمتی برای راهپیمایان ایجاد نکردند هر چند خیابان‌های نادری، شاهرضا، شاهرضا نو، خسروی، خسروی نو، امیر اسدالله علم، طبرسی و پایین خیابان از طرف مأموران بر روی اتومبیل‌ها بسته شده بود. از جمله شعارهای تظاهرکنندگان در این روز عبارت بود از: مرگ بر شاه، امریکا برو بیرون، حسین سردار ملت، خمینی رهبر ماست و...

هدف از تظاهرات عید فطر نایل شدن به خواسته‌های منطقی و مشروع مردم اعلام گردید: نظر به اینکه جامعه روحانیت، مبارزه را تا وقتی که مردم به کلیه خواسته‌ها و حقوق مشروع خود نایل نشده‌اند لازم می‌داند، از این رو، به منظور اظهار یک جنبش عمومی لازم دانستیم که در روز عید فطر مبارک که یکی از روزهای با عظمت اسلام است، مسلمانان گرد هم آیند و ادامه فعالیت خود را در مسیر مبارزه به جهانیان اعلام دارند.^۱ پس از پایان یافتن راهپیمایی، مردم در مقابل حرم تجمع کردند، بر روی زمین نشستند و آیت‌الله واعظ طبسی برای آنها سخنرانی کرد. در پایان، ایشان تقاضاهای تظاهرکنندگان را به شرح زیر قرائت کرد:

۱. آزادی تمامی زندانیان سیاسی کشور.

۲. برقراری نظام اسلامی در همه قوانین مملکتی.

۳. اجازه سخن و آزادی قلم.

۴. اجرای صحیح قانون اساسی.

۵. بازگرداندن شدن امام به ایران و سید حسن طباطبایی قمی به مشهد.^۱

راهپیمایی‌ها در مشهد تا روز ۱۷ شهریور ادامه یافت. در روز ۱۴ شهریور، مشهد شاهد تغییر و تحولی اداری نیز بود؛ چنانچه استاندار جدید خراسان، سپهبد صادق امیرعزیزی،^۲ به جای استاندار پیشین، عبدالعظیم ولیان،^۳ که در ششم شهریور استعفا کرده بود، وارد مشهد شد. استاندار جدید طی سخنانی هدف خود را تأمین رفاه اجتماعی مردم اعلام کرد.^۴



اردشیر زاهدی که از بعدازظهر روز پنجشنبه ۵۷/۶/۱۶ تا صبح فردای آن روز نزد شاه بود و گزارش‌ها را لحظه به لحظه به اطلاع او می‌رساند.

روز ۱۵ شهریور، مردم مشهد در مجلس ختم مهدی‌زاده نامی (که روز پنجشنبه ۹ شهریور در خیابان طبرسی کشته شده بود)، در مسجد امام (رضاع) شرکت کردند. پس از پایان مجلس ختم، جمعیت شرکت‌کننده که بالغ بر ۳ هزار نفر می‌شدند به خیابان‌ها ریختند و در

خیابان‌های آبکوه (هم‌اکنون بدین نام است) و شاهرخ (مطهری جنوبی) به سوی خیابان نادری (شیرازی) و میدان شاه (شهدا) راهپیمایی کردند. آنها در طول راهپیمایی، شعارهایی در خصوص بازگشت امام به کشور سر دادند. تظاهرکنندگان پس از ۲ ساعت، با دخالت نیروهای

۱. روزنامه خراسان، ش ۸۴۸۸، ص ۷ و ۸.
 ۲. سپهبد صادق امیرعزیزی تا ۱۳۵۷/۱۰/۱۴ که استعفا داد استاندار و نایب‌التولیه آستان قدس رضوی بود. او قبلاً نیز از ۱۳۴۲/۲/۲۹ تا مهر ۱۳۴۴ عهده‌دار این سمت بود.
 ۳. عبدالعظیم ولیان از تاریخ ۱۳۵۳/۲/۱۶ به عنوان استاندار خراسان و نایب‌التولیه آستان قدس رضوی منصوب و در تاریخ ۱۳۵۳/۲/۲۳ رسماً وارد مشهد شد. ولیان تا تاریخ ۱۳۵۷/۶/۶ رسماً عهده‌دار این سمت بود و پس از اوج گرفتن تظاهرات مردم مشهد در پی کشته شدن شیخ احمد کافی، مجبور به استعفا شد. درباره پیشینه و عملکرد ولیان رک: رجال عصر پهلوی، عبدالعظیم ولیان، (تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ۱۳۷۹)
 ۴. خراسان، ش ۸۴۸۸، ص ۱ و ۲.

پلیس متفرق شدند.^۱

◆ ۱۷ شهریور و بازگشت آیت‌الله قمی به مشهد

در مشهد هم پس از اعلام حکومت نظامی، سرتیپ عبدالرحیم جعفری، فرمانده حکومت نظامی مشهد، مقررات سختی را برقرار کرد. او طی اعلامیه شماره دو، تردد در ساعات حکومت نظامی را منوط به دریافت کارت‌های ویژه‌ای کرد که بدین منظور در اختیار کلیه کلانتری‌ها قرار گرفته بود و شخص می‌بایست با مراجعه به کلانتری با ارائه دلایل متقن جهت عبور و مرور، این کارت‌ها را دریافت می‌کرد. وی همچنین طی اعلامیه شماره سه حکومت نظامی، بر شدت این محدودیت‌ها افزود. این اعلامیه حاوی نکات زیر بود:

۱. ممنوع بودن رفت و آمد از ساعت ۹ شب الی ۶ صبح.
۲. ممنوع بودن هر گونه تجمع بیش از سه نفر به هر شکل و عنوانی.
۳. ممنوع بودن حمل هر نوع اسلحه جنگ‌افزار سرد و گرم.
۴. ممنوع بودن هر گونه اقدام تحریک‌آمیز در هر صورت ممکن.
۵. نانوایی‌ها، قصابی‌ها و خواربارفروشی‌ها که مسئول تأمین مایحتاج مردم هستند حق هیچ‌گونه بستن مغازه‌های خود را ندارند.^۲

فرماندار نظامی مشهد همچنین در مصاحبه‌ای اعلام کرد که این مقررات صرفاً به خاطر امنیت و حفظ جان و مال مردم بوده و لذا از مردم خواست تا در اجرای مقررات حکومت نظامی با مأموران انتظامی همکاری کنند. پیش‌کش کلانتری‌ها و مطالعات فریبگی
 روز ۱۷ شهریور مصادف با بازگشت آیت‌الله سید حسن طباطبایی قمی به مشهد شد. ایشان که در جریان تصویب و اجرای قانون حمایت از خانواده^۳ بازداشت و به مدت ۱۳ سال به کرج

۱. همان، ش ۸۴۹۰، ص ۱.

۲. همان، ش ۸۴۹۱، ص ۱.

۳. جهت اطلاع از مفاد این قانون ن.ک: اطلاعات، س ۴۱، ش ۱۲۲۲۱ (۱۱/۱۲/۴۵): ص ۱۷.

تبعید شده بودند^۱ در روز ۱۳ شهریور ۱۳۵۷ آزاد شدند.

با انتشار خبر آزادی آیت‌الله قمی در مشهد، آیت‌الله سید عبدالله شیرازی طی صدور اعلامیه‌ای این خبر را به اطلاع مردم مشهد رساند و از کلیه اقشار مردم دعوت کرد تا جهت تعظیم شعائر اسلامی و تجلیل از مقام روحانیت در مراسم استقبال از آیت‌الله قمی شرکت نمایند. در این اعلامیه ساعت ورود آیت‌الله قمی به مشهد، ۴ بعدازظهر روز هفدهم شهریور اعلام شده بود.^۲

پس از آگاهی طلاب و روحانیان مشهد

از خیر بازگشت آیت‌الله قمی به این شهر، عده‌ای از آنان که در گزارش‌های ساواک «قشریون مذهبی» نامیده شده‌اند ضمن تهیه عکس‌هایی از امام، آیت‌الله قمی و کشته‌شدگان حوادث اخیر، خود را برای استقبال از ایشان آماده کردند. از همان ساعات اولیه بعدازظهر ۱۷ شهریور که مصادف با روز جمعه بود، مردم گروه‌گروه از منازل خود خارج شدند و

تب و تاب انقلابی در مشهد بسیار شدت گرفته بود. در میدان دقیقی و میدان برق حدود ۶ هزار نفر اجتماع و شروع به تظاهرات نمودند؛ مأموران انتظامی جهت متفرق کردن جمعیت از گازهای اشک‌آور استفاده کردند.

بدون توجه به اعلام حکومت نظامی در خیابان‌ها به راه افتادند و شعارهایی ضد رژیم سردادند.

تب و تاب انقلابی در مشهد بسیار شدت گرفته بود. در میدان دقیقی و میدان برق حدود ۶

۱. ایشان در ۵۶/۱/۹ در مسجد جامع گوهرشاد، علیه این قانون سخنرانی کرد. این مسئله باعث شد تا به دستور ساواک منزل ایشان مورد محاصره قرار گیرد. ساواک، ایشان را در ۴۶/۱/۱۰ به زاهدان و سپس به خاش و پس از ۱۴ ماه به کرج تبعید کرد. (تقویم تاریخ خراسان از مشروطه تا انقلاب اسلامی، به کوشش غلامرضا جلالی و همکاری حسین طاهری وحدتی و عباسعلی قلی‌زاده (تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۷)، ص ۲۰۱).

۲. جهت آگاهی بیشتر از متن اعلامیه نک: اطلاعات، ش ۱۵۷۰۵ (۱۳۵۷/۶/۱۶): ص ۴.

هزار نفر اجتماع و شروع به تظاهرات نمودند؛ مأموران انتظامی جهت متفرق کردن جمعیت از گازهای اشک‌آور استفاده کردند. این اقدام باعث متفرق شدن تظاهرکنندگان نشد و آنها جهت خنثی ساختن اثر این گازها تعدادی از لاستیک‌های فرسوده را در خیابان‌ها به آتش کشیدند. در این روز در بیشتر خیابان‌های شهر راهپیمایی بود و مردم با شعار «به همت خمینی، شاه! تو را می‌کشیم» در حرکت بودند. این درحالی بود که رژیم از روز قبل پیامدهای ورود آیت‌الله قمی به مشهد را پیش‌بینی کرده بود، چنانچه در جلسه مشترک شورای امنیت ملی و هیئت دولت که قبلاً به آن اشاره گردید، دکتر هوشنگ نهاوندی، وزیر علوم و آموزش عالی، با ارائه دلایلی مبنی بر لزوم اعلام حکومت نظامی در بیشتر شهرها، ورود ایشان به مشهد را باعث وقوع اتفاقات بسیار می‌داند:

بنده عقیده دارم که حکومت نظامی به تهران محدود نباشد، به چند شهری هم که جنابعالی [شریف امامی] فرمودید محدود نباشد، به تعداد زیادی از شهرها سرایت پیدا بکند. به این دلیل که اگر ما در حالت سرد، به اصطلاح، حکومت نظامی اعلام بکنیم به مراتب بهتر است، تا در حالت گرم و مسلماً در خیلی از شهرها از جمله همین فردا به مناسبت ورود آقای قمی به مشهد ممکن است، در مشهد اتفاقاتی بیفتد و باید در ۲۰، ۳۰ تا شهر عمده حکومت نظامی اعلام کرد.^۱

حوادث این روزها چنان رژیم را به درماندگی واداشت که بنا بر قول وزیر علوم و آموزش عالی:

از حد تحمل هر کسی بیرون است به طوری که طی ۱۵ روز اخیر تنها سران رژیم جرئت اسم بردن از شاه داشته‌اند. این مسئله حاکی از تنفر بیش از حد مردم جامعه از خاندان پهلوی و شخص شاه است.

به هر حال، جمعیت کثیری که جهت استقبال از آیت‌الله قمی به فرودگاه آمده بود فرماندار نظامی مشهد را به وحشت انداخت، لذا وی دستور داد تا آیت‌الله قمی را با همان هواپیما به

۱. تصمیم شوم، جمعه خونین، همان، ص ۴۰.

جمعیت کثیری که جهت استقبال از آیت‌الله قمی به فرودگاه آمده بود فرماندار نظامی مشهد را به وحشت انداخت، لذا وی دستور داد تا آیت‌الله قمی را با همان هواپیما به تهران بازگردانند.

تهران بازگردانند.^۱ پس از آگاهی یافتن مردم از این تصمیم، آنها ضمن تشدید تظاهرات، با مأموران انتظامی درگیر و در نتیجه عده‌ای کشته و مجروح شدند.^۲ درباره تعداد کشته‌ها و مجروحان ۱۷ شهریور در مشهد آمارهای متفاوتی ذکر شده است. بنا بر آنچه ساواک در گزارشات خود بیان کرده است، در این روز ۱۷ نفر از تظاهرکنندگان مورد

اصابت گلوله قرار گرفتند که در نتیجه یک زن و کودک فوت کردند و حال نوجوان ۱۴ ساله‌ای نیز چندان رضایت‌بخش نبود و ۱۱ نفر هم تحت عمل جراحی قرار گرفتند. بنابراین گزارش، تعداد ۲۱ نفر هم در این روز بازداشت شدند.^۳ حال آنکه فرماندار نظامی مشهد در اعلامیه شماره ۶ خود، تعداد کشته‌شدگان را ۴ نفر و مجروحان را ۱۰ نفر اعلام کرد.^۴

◆ ارسال نامه امام به آیت‌الله قمی

امام در ۳۰ شهریور ۱۳۵۷/۱۸ شوال ۱۳۹۸، طی نامه‌ای به آیت‌الله قمی، تبعید ایشان را

۱. در یکی از اسناد موجود در بولتن گزارش‌های ساواک، ایشان در بامداد روز ۵۷/۶/۲۱ موفق شدند به مشهد برگردند. (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، ج ۱۱ (تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ۱۳۸۱)، ص ۱۱۷).

۲. رمضانعلی شاکری، انقلاب اسلامی و مردم مشهد از آغاز تا استقرار جمهوری اسلامی (مشهد: امام، ۱۳۶۲)، ص ۹۱ و ۹۴.

۳. انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، ج ۱۱، ص ۵۶.

۴. اطلاعات، ش ۱۵۷۰۸ (۱۳۵۷/۶/۲۰): ص ۲۲.

غیرانسانی و غیرقانونی دانست و از آزادی وی اظهار مسرت کرد. امام همچنین در این نامه، کشتار اخیر رژیم در ۱۷ شهریور را نمونه‌ای از آزادی و تمدن بزرگ و همچنین آشتی دولت با ملت دانستند^۱ و کمک شاه و رژیم به زلزله‌زدگان طبس^۲ را حيله و فریب برشمردند.

آزادی جنابعالی پس از ۱۲ سال زندان غیرقانونی و غیرانسانی به جرم حَقْگویی و حَقْطلبی موجب مسرت گردید. کشتار بی‌رحمانه ماه‌های اخیر، خصوصاً کشتار بی‌شماری از فرزندان اسلام که تعداد کشته‌شدگان را بیش از ۴ هزار نفر نقل می‌کنند، یکی دیگر از نمونه‌های آزادی و تمدن بزرگ و آشتی دولت شاه است. تا برقراری این رژیم منحط، امید آزادی پوچ و ستمکاری و خیانت ادامه دارد. شعار مردم مسلمان ایران باید قطع ید اجانب و عمال خائن آنان که در رأس آن شاه است، باشد. اکنون که شاه با قدرت کوبنده ملت مواجه است و ناچار است که با حکومت نظامی و سرنیزه به حیات غیرقانونی خود ادامه دهد، برای اغفال مردم، تظاهر به دلسوزی برای زلزله‌زدگانی می‌کند که به هیچ‌وجه در محیطی که زلزله‌خیز است هیچ‌گونه اقدامی برای حفظ جان مردم محروم از او صورت نگرفته است. اکنون که شاه، ملت را از هستی ساقط و هر چندگاه دست به قتل‌عامی تازه می‌زند، برای زلزله‌زدگان دلسوزی می‌کند که خود در اثر بی‌توجهی در امور خانه‌سازی، خانه‌های آنان را بر سر مردمش خراب کرده است. شما خود می‌دانید و بدان معتقدید و همه باید بدانند که ملت ایران شاه را نمی‌خواهد و هر کس که شاه و سلطنت او را بخواهد خائن است. از خداوند تعالی سلامت جنابعالی و

۱. پس از حادثه سینما رکس آبادان و انزجار مردم از دولت جمشید آموزگار و استعفای او، شریف‌امامی جهت سامان بخشیدن به اوضاع کشور با شعار دولت آشتی به میدان آمد؛ هر چند که او هم کاری از پیش نبرد.
۲. حدود ساعت ۷/۳۰ بعدازظهر روز ۲۵ شهریور ۱۳۵۷ زلزله مهیبی جنوب خراسان را لرزاند. مرکز این زلزله شهر طبس و حوالی آن بود. قدرت بالای این زلزله شهر طبس و اطراف آن را به کلی ویران نمود. شدت فاجعه به حدی بود که دولت ۳ روز عزای عمومی اعلام کرد. امام طی پیامی در ۲۷ شهریور به ملت ایران عزای اعلام‌شده از سوی دولت را فریبکاری اعلام نمودند و یادآوری کردند که مردم کمک‌ها و مساعدت‌های خویش را به دست عوامل دولتی ندهند بلکه خود مستقیماً به داد زلزله‌زدگان برسند.

عظمت اسلام و مسلمین و قطع ایادی اجانب را خواهانم. والسلام علیکم و رحمه‌الله.^۱

◆ شدت یافتن مبارزات با ورود آیت‌الله قمی به مشهد

ورود آیت‌الله قمی به مشهد باعث تقویت روحیه مبارزان و انقلابیان شد و جایگاه او را در نزد مردم بیش از پیش افزایش داد. در این زمان، سیل ملاقات‌کنندگان به سوی بیت ایشان سرازیر شد تا از صلابت و استقامت ایشان در مدت تبعید تجلیل نمایند. این جلسات تنها دیدار و ملاقات نبود، بلکه افراد در داخل بیت ایشان شعارهایی در دفاع از نهضت سر داده و اعلامیه‌های روحانیان و دفترچه‌ای که حاوی شرح حال آیت‌الله قمی در دوران تبعید بود، در بین آنها پخش شد. دانشجویان دانشگاه مشهد هم با پارچه‌نوشته‌های خود و نصب آنها در بیرون و داخل منزل آیت‌الله قمی از ایشان تشکر کردند. بر روی یکی از این پارچه‌نوشته‌ها چنین نوشته شده بود: «تفاوت خون و گل در دست‌هایی است که به سوی آن دراز می‌شود. گل اهدا می‌کنیم و آنها خون می‌کردند».^۲

حادثه دیگری که فعالیت مبارزان را تشدید کرد ورود آیت‌الله خامنه‌ای از تبعیدگاه ایرانشهر به مشهد بود. ایشان در خاطرات خود درباره وضعیت انقلابی شهر مشهد در زمان ورودش اظهار می‌دارد:

اواسط سال ۵۷ بود که از تبعید بازگشتیم. بنده وقتی که از تبعید وارد مشهد شدم، آنچه که در مشهد دیدم برای من باورکردنی نبود و یا اینکه ما در تبعید خبرها را می‌شنیدیم، اما آن واقعیت عظیمی بود. شب و روز در مشهد راهپیمایی بود و مردم به راهپیمایی عادت کرده بودند.^۳

۱. بایگانی مرکز اسناد انقلاب اسلامی، شماره بازیابی ۱۲۹، سند ش ۱۳۷. جهت متن نامه امام نک: صحیفه امام، ج ۳ (تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۸)، ص ۴۷۸.
۲. انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، ج ۱۱، ص ۲۱۳.
۳. خاطرات و حکایت‌ها (خاطرات رهبر معظم با مرکز اسناد انقلاب اسلامی سال‌های ۶۲-۶۱)، ج ۲ (بی‌جا: مؤسسه

مدت زمان کوتاهی از ورود آیت‌الله قمی به مشهد نگذشته بود که بیت ایشان دوباره به کانون مبارزه علیه رژیم مبدل شد. ایشان صبح ۵۷/۶/۲۴ در منزلش و در بین جمع کثیری از مردم مشهد که جهت ملاقات با او گرد هم آمده بودند به منبر رفت و طی سخنانی سیاست‌ها و اقدامات رژیم را زیر سؤال برد. نکات مهم و اساسی‌ای که ایشان در سخنرانی خود به آنها پرداختند، عبارت بود از:

در این روز ۱۷ نفر از تظاهرکنندگان مورد اصابت گلوله قرار گرفتند که در نتیجه یک زن و کودک فوت کردند و حال نوجوان ۱۴ساله‌ای نیز چندان رضایت‌بخش نبود و ۱۱ نفر هم تحت عمل جراحی قرار گرفتند. بنابراین گزارش، تعداد ۲۱ نفر هم در این روز بازداشت شدند.

۱. پرستش مخصوص خدا بوده و

شاهپرستی غلط است چنانچه شعار خدا، شاه و میهن نادرست و به جای آن شعار خدا، پیامبر و امام صحیح است.

۲. تأکید بر اجرای احکام قرآن و دستورات اسلام در کشور.

۳. آزادی زندانیان سیاسی و مذهبی.

۴. بازگشت تبعیدشدگان به ویژه امام به وطن.^۱

به دنبال فعالیت‌های علما در مشهد و سخنرانی‌های هفتگی آیت‌الله قمی، وعاظ و علمای شهرهای دیگر استان به مشهد عزیمت کردند و در جلساتی که در منزل آیات میلانی و قمی برگزار می‌شد شرکت و مطالبی علیه رژیم بیان کردند. این اقدامات از چشم ساواک خراسان دور نماند و ساواک جلسه مهمی با حضور استاندان،

فرهنگی قدر ولایت، (۱۳۷۴)، ص ۸۷.

۱. انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، ج ۱۱، ص ۲۱۱.

فرمانده لشکر، فرمانده ژاندارمری و سرپرست شهربانی‌های خراسان تشکیل داد. در این جلسه پس از گفتگو درباره راه‌های پیش رو جهت کاهش تأثیر اقدامات علما، تصمیم گرفتند تا با تشدید فشارها و محدودیت‌ها، از فعالیتهای آنها جلوگیری کنند و جهت اختلال در اقدامات علما بین بیوت آیات مشهد، از جمله شیرازی و قمی، تفرقه ایجاد کنند؛ لذا طی شایعه‌ای در سطح شهر بیان کردند که با ورود آیت‌الله قمی به مشهد جایگاه و منزلت آیت‌الله شیرازی در نزد مردم به شدت تنزل یافته است.^۱



ورود آیت‌الله قمی به مشهد باعث تقویت روحیه مبارزان و انقلابیان شد و جایگاه او را در نزد مردم بیش از پیش افزایش داد. در این زمان، سیل ملاقات‌کنندگان به سوی بیت ایشان سرازیر شد تا از صلابت و استقامت ایشان در مدت تبعید تجلیل نمایند.

با وجود این‌گونه محدودیت‌ها و تفرقه‌افکنی‌ها، فعالیتهای مبارزاتی مردم همچنان ادامه یافت. در ۵۷/۶/۲۶ تظاهرکنندگان پس از راهپیمایی در خیابان‌های اطراف بست طبرسی، به سوی حرم حرکت کردند و شعارهایی چون «نهضت ما حسینی، رهبر ما خمینی» و «مسلمان به پا خیز! برادرت کشته شد» سر دادند.^۲ این اقدامات باعث صدور دستور بازداشت تعدادی از علما و وعاظ از سوی ساواک گردید، لذا سید کاظم مرعشی و محمدمهدی نوغانی دستگیر و ابوالحسن مقدسی شیرازی، عباس واعظ طبسی و سید عبدالکریم هاشمی‌نژاد متواری شدند. با بازداشت و متواری شدن این افراد، حاجی نجاتی، برادر آیت‌الله قمی، طی تماس تلفنی از

با وجود این‌گونه محدودیت‌ها و تفرقه‌افکنی‌ها، فعالیتهای مبارزاتی مردم همچنان ادامه یافت. در ۵۷/۶/۲۶ تظاهرکنندگان پس از راهپیمایی در خیابان‌های اطراف بست طبرسی، به سوی حرم حرکت کردند و شعارهایی چون «نهضت ما حسینی، رهبر ما خمینی» و «مسلمان به پا خیز! برادرت کشته شد» سر دادند.^۲ این اقدامات باعث صدور دستور بازداشت تعدادی از علما و وعاظ از سوی ساواک گردید، لذا سید کاظم

ساواک مشهد خواست ۲ از نفر بازداشت‌شدگان آزاد شوند و افراد متواری مورد عفو قرار گیرند. این تقاضا از سوی ساواک مشهد به شدت رد شد. شیخان، رئیس ساواک خراسان، در تلگرافی به اداره کل سوم ساواک، آزادی افراد نامبرده را به مصلحت ندانست و ضمن پیشنهاد اعزام بازداشت‌شدگان به تهران تأکید کرد که می‌بایست سید عبدالکریم هاشمی‌نژاد نیز در اسرع وقت بازداشت گردد.

◆ اعتراض علمای مشهد به کشتار مردم تهران در ۱۷ شهریور

حادثه ۱۷ شهریور ۱۳۵۷ که منجر به کشته و زخمی شدن عده‌ای از مردم در شهرها به ویژه در میدان ژاله تهران شد موجبات اعتراض روحانیت را فراهم ساخت. با اعلام حکومت نظامی در کشور، رژیم، سپهبد غلامعلی اویسی را با حفظ سمت فرماندهی نیروی زمینی، به فرماندهی نظامی تهران منصوب کرد. برقراری حکومت نظامی در این شهر، مانع از اجرای برنامه‌های مبارزان نگردید. روز جمعه ۱۷ شهریور عده کثیری از مردم که بعضی از آنها حتی از وجود اعلام حکومت نظامی هم بی‌اطلاع بودند جهت یک راهپیمایی عظیم در میدان ژاله تجمع کردند. رژیم که از مهار این جمعیت مستأصل شده بود مردم را به گلوله بست. کشته و زخمی شدن عده‌ای از مردم در این روز باعث شد تا این روز به «جمعه سیاه» و میدان ژاله به «میدان شهدا» معروف گردد. در این روز بنا بر اعلامیه شماره ۴ فرماندار نظامی، ۵۸ نفر کشته و ۲۰۵ نفر مجروح شدند.^۱ هر چند بنا بر اعلام فرماندهی نظامی تعداد کشته‌شدگان تا روز هجدهم شهریور به ۸۶ نفر رسید.^۲

به دنبال این حادثه، امام طی صدور پیامی در ۵۷/۶/۱۸ خطاب به ملت ایران، این واقعه را که

۱. اطلاعات، ش ۱۰۷۰۶ (۱۳۵۷/۶/۱۸): ص ۴.

۲. همان، ش ۱۰۷۰۷ (۱۳۵۷/۶/۱۹): ص ۳.

منجر به کشته شدن هزاران نفر شد محکوم کردند.^۱ ایشان همچنین در تاریخ ۵۷/۶/۲۳ طی پیامی به ملت ایران، ضمن تسلیت و ابراز همدردی با ملت ایران، از آنها خواست تا به مبارزه خود تا رسیدن به پیروزی نهایی ادامه دهند و در ضمن به مجروحان و مصدومان حادثه خونین ۱۷ شهریور خون، دارو، غذا و امکانات لازم را برسانند و از هر گونه کمک مالی دریغ نورزند.^۲

این حادثه، روحانیت مشهد را هم بر آن داشت تا با صدور اعلامیه‌هایی مراتب اعتراض خود را به مسئولان برسانند و با مصیبت‌دیدگان حادثه ابراز همدردی کنند. سید عبدالله شیرازی طی اعلامیه‌ای در ۵۷/۶/۱۸ کشتار مردم تهران در ۱۷ شهریور را به محضر امام زمان (عج) و مردم غیور ایران تسلیت گفت. ایشان با تأکید بر این نکته که این‌گونه اقدامات باعث سیاه و لکه‌دار شدن صفحات تاریخ شده، از عدم برآورده شدن خواسته‌های مشروع و منطقی روحانیت و ملت مسلمان ایران توسط رژیم انتقاد کرد. آیت‌الله شیرازی در پایان از مردم خواست تا با حفظ آرامش از هر گونه عملی که تبدیل به بهانه‌ای در دست رژیم شود، خودداری نمایند.^۳ ایشان همچنین در بیستم شهریور با انتشار اطلاعیه‌ای اعتراض‌آمیز، برقراری حکومت نظامی، بازداشت عده‌ای از علمای مشهد و شهادت تعدادی از افراد مؤمن و انقلابی را محکوم و از ائمه جماعات درخواست کرد تا اطلاع ثانوی از برگزاری نماز جماعت خودداری کنند.^۴

روحانیان مبارز خراسان نیز با صدور اعلامیه‌ای در ۱۳۵۷/۶/۲۱ در مورد فاجعه کشتار مردم در میدان ژاله تهران، ضمن محکوم نمودن بازداشت چند تن از علمای مشهد از جمله سیدکاظم مرعشی، شیخ مهدی نوغانی، حجت‌الاسلام موسوی خراسانی و آقای صفایی اعلام

۱. جهت مشاهده متن کامل پیام رک: صحیفه امام، همان، ص ۴۶۹-۴۶۱.

۲. همان، ص ۴۶۲ و ۴۶۳.

۳. جهت مطالعه متن کامل اعلامیه نک: اسناد انقلاب اسلامی، ج ۱ (تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۴)، ص ۵۰۸ و ۵۰۹.

۴. تقویم تاریخ خراسان از مشروطه تا انقلاب اسلامی، همان، ص ۲۷۵ و ۷۶.

کردند که تعطیلات سراسری و یکپارچه بوده و تا آخر روز جمعه ۲۴ شهریور ادامه خواهد یافت و در ضمن در روزهای پنجشنبه و جمعه مجالس عزای عمومی در سراسر کشور برگزار خواهد شد. آنها در پایان از عموم مردم خواستند که در مجالس عزایی که برای کشته‌شدگان حادثه برگزار می‌گردد، شرکت کنند.^۱

◆ برپایی چهل‌شهدای ۱۷ شهریور در مشهد

الف. صدور اعلامیه از سوی علما و دعوت مردم به تظاهرات



آیت‌الله شیرازی هم طی اعلامیه‌ای ضمن عرض تسلیت برای شهدای ۱۷ شهریور تهران، ظلم و ستم انجام‌گرفته در حق امام (هجرت ایشان به پاریس) را یادآور و انجام این اقدامات رژیم را باعث تأسف و تأثر دانست.

با نزدیک شدن به چهل‌مین روز حادثه هفده شهریور در تهران و دیگر شهرها و همچنین اولین سالگرد وفات حاج آقا مصطفی خمینی، آیت‌الله قمی در ۵۷/۷/۲۱ / ۱۰ ذی‌القعدة ۱۳۹۸، اعلامیه‌ای راجع به جنایات رژیم شاه در شهرهای مختلف صادر کرد. ایشان در این اعلامیه با اشاره به وضعیت سیاسی و اجتماعی و همچنین وضعیت فلاکت‌بار معیشتی و

کشاورزی ایران که از جانب اربابان خارجی بر رژیم تحمیل شده بود، از سلب شدن آزادی‌های فردی، اجتماعی، قلم و بیان و وجود خفقان در جامعه سخن رانده بود و کشتار مردم در شهرهای کرمانشاه، خرم‌آباد، کاشان، بابل، آمل، سنندج و... را محکوم کرد. او همچنین در این اعلامیه به گذشت ۴۰ روز از برقراری

۱. بایگانی مرکز اسناد انقلاب اسلامی، شماره بازیابی ۱۲۹، سند ش ۱۷۶. جهت مطالعه متن اعلامیه نک: اسناد انقلاب اسلامی، ج ۴، ص ۵۶۸ و ۵۶۹.

حکومت نظامی در ۱۱ شهر و حادثه ۱۷ شهریور تهران که منجر به کشته و مجروح شدن هزاران نفر زن و مرد و کودک مسلمان شده بود اشاره کرده بود و جهت گرامیداشت یاد آنها، روز دوشنبه ۱۳/۵۷/۷/۲۴ / ۱۳ ذی قعدة ۱۳۹۸ق، را عزای عمومی اعلام کرد:

سال‌هاست که ملت شریف و مسلمان ایران در شرایط دردناکی به سر می‌برند، شرایطی که در آن همه ارزش‌های مادی و معنوی‌شان مورد تجاوز حکومت جبار کشور قرار گرفته است. وضع کشاورزی به علت سیاست استعماری و دیکته‌شده از جانب اربابان خارجی نظام حاکم، یکسره از بین رفته است، کشور ایران با دست حکومت‌های ضدملی به صورت یک بازار مصرف درآمده که در آن فرآورده‌های غربی و در رأس آن امریکا، از محصولات کشاورزی گرفته تا صنعتی، آزادانه در دسترس مردم قرار می‌گیرد. از نظر معنوی، قوانین ضداسلامی یکی بعد از دیگری وضع می‌شود، آزادی‌های فردی و اجتماعی در قلم و بیان از مردم سلب شده است. دیکتاتوری و خفقان با منفورترین شکل آن حکومت می‌کند، زندان‌های سیاسی کشور مملو از فرزندان مبارز و مسلمانی است که حاضر نیستند در برابر خیره‌سری‌ها و خودکامی‌های این دستگاه جبار تسلیم گردند، کشتار و خونریزی در این کشور طوفان می‌کند به طوری که دیگر کمتر شهری در ایران به جای مانده که در آن حداقل تعدادی زن و مرد و کودک مسلمان به وسیله جلادان ایران به قتل نرسیده باشند؛ از مدرسه گرفته تا دانشگاه، از خیابان‌ها و بازارها گرفته تا داخل مسجدها و خانه‌ها در همه‌جا این حکومت خون‌آشام آدم می‌کشد و خون می‌ریزد به طوری که باید گفت مملکت به صورت قتلگاهی درآمده و رژیم قصاب ایران در آن مردم مسلمان را بی‌رحمانه با گلوله و مسلسل درو می‌کند و تازه‌ترین نمونه این قتلگاه‌ها شهرهای کرمانشاه، خرم‌آباد، کاشان، بابل، آمل، سنندج و دانشگاه تهران و... بوده است که رژیم ورشکسته ایران وحشیانه‌ترین جنایت‌ها و خونریزی‌ها را در آن انجام داده است...^۱

آیت‌الله شیرازی هم طی اعلامیه‌ای ضمن عرض تسلیت برای شهدای ۱۷ شهریور تهران، ظلم و ستم انجام‌گرفته در حق امام (هجرت ایشان به پاریس) را یادآور و انجام این اقدامات رژیم را باعث تأسف و تأثر دانست. ایشان در این اعلامیه به منظور تجلیل از خون‌های ریخته‌شده مردم تهران و شهرستان‌ها و فرا رسیدن چهلمین روز آنها و همچنین به مناسبت فرا رسیدن سالگرد وفات حاج آقا مصطفی خمینی روز ۵۷/۷/۲۴ را به عنوان عزای عمومی اعلام نمود و از تمام اقشار مردم خواست تا در این مجلس شرکت کنند.^۱



در همین راستا ۹ نفر از روحانیان مشهد^۲ نیز ضمن اعلام برگزاری راهپیمایی در روز

۱. بایگانی مرکز اسناد انقلاب اسلامی، شماره بازیابی ۱۵۶۵، سند ش ۵۸؛ جهت متن کامل نک: اسناد انقلاب اسلامی، ج ۱، ص ۵۴۲ و ۵۴۳.

۲. علی فلسفی، حسنعلی مروارید، سید کاظم مرعشی، ابوالحسن شیرازی، عزالدین الحسینی موسوی زنجانی، محمدمهدی نوقانی، جواد تهرانی، سید ابراهیم علم‌الهدی، حسین موسوی شاهرودی.

مذکور، تلگرافی به امام در پاریس مخابره کردند. تلگراف دیگری هم از سوی هاشمی‌نژاد، عباس واعظ طبسی، محمدرضا محامی، شیخ علی تهرانی و سید علی خامنه‌ای برای امام مخابره شد.^۱

ب. تظاهرات چهلم شهدای ۱۷ شهریور

با فرا رسیدن چهلم شهدای ۱۷ شهریور، فرماندار نظامی مشهد با صدور اعلامیه شماره ۱۸ و ۱۹ اعلام کرد:

... این فرمانداری به منظور حفظ نظم و آرامش در شهر مقدس مشهد، که احترامش بر همگان واجب است و همچنین ممانعت از تجمعات و تظاهرات غیرقانونی افراد نادان و آلت دست، تعدادی خودروی سنگین همراه با نفرات به محل‌های مورد خطر اعزام می‌دارد که اضطراراً در خیابان‌ها تردد کنند تا قبل از هر اقدام آتش‌سوزی و یا خرابکاری اقدامات خنثی‌سازی را به موقع انجام دهند و آنها را متفرق نمایند. لذا برای انجام این اقدام مفید به حال برادران و خواهران، از کلیه رانندگان وسایل نقلیه تقاضا دارد همان‌طوری که تا کنون همکاری‌های همه‌جانبه و متقابل و لازم را با فرمانداری نظامی به ثبوت رسانیده‌اید در هنگام حرکت ستون‌های ارتش به ویژه خودروهای سنگین در مسیر خیابان‌ها و رعایت تقدم و فاصله را از طرفین و عقب طول ستون معمول داشته تا باعث ایجاد تصادف نگردیده و مزاحمتی فراهم نگردد.^۲

صدور این اعلامیه‌ها از سوی حکومت نظامی مشهد خللی در هدف مبارزان ایجاد نکرد. در روز ۵۷/۷/۲۲ جمعیتی حدود ۴ هزار نفر در حالی که علیه رژیم شعار می‌دادند، با تجمع در مقابل منزل شیرازی، حرکت کردند و پس از عبور از خیابان نادری در صحن عتیق حرم تجمع کردند، در بین راه چند بار بین مأموران و تظاهرکنندگان درگیری پیش آمد که منجر به استفاده

۱. بایگانی مرکز اسناد انقلاب اسلامی، شماره بازیابی ۴۱۳، سند ش ۲۲۲؛ شماره بازیابی ۵۷۲، سند ش ۸۴؛ جهت

مطالعه متن کامل تلگرام نک: اسناد انقلاب اسلامی، ج ۳، ص ۴۰۲.

۲. بولتن خبرگزاری پارس (اخبار ایران)، ش ۲۰۹ (۵۷/۷/۲۲): ص ۲۳-۲۱.

پلیس از گاز اشک آورگردید. تظاهرکنندگان در صحن عتیق حرم مطهر تا ساعت ۲۱ به دادن شعار و نوحه‌سرایی پرداختند. با اتمام سخنرانی سید عبدالکریم هاشمی‌نژاد، مردم بار دیگر به خیابان‌ها ریختند و به تظاهرات و سردادن شعار علیه رژیم پرداختند. در تظاهرات این یک نفر کشته شد و دو نفر مجروح شدند. تظاهرکنندگان قصد داشتند تا جسد کشته‌شده را به بیت آیت‌الله شیرازی منتقل کنند اما به دلیل استفاده مأموران از گازهای اشک‌آور و ممانعت آنها، به ناچار متفرق شدند.

در روز اربعین شهدای ۱۷ شهریور، در مشهد تعطیلی عمومی و مجالس سوگواری برپا شد و کلیه مغازه‌های شهر حتی در نقاط دوردست هم تعطیل شدند و مأموران حکومت نظامی در نقاط مختلف شهر خصوصا در خیابان‌های منتهی به حرم مستقر شده بودند. آنها همچنین مانع نزدیک شدن مردم به منازل علما شدند. با وجود این عده کثیری از مردم در صحن عتیق حرم، اجتماع و در حمایت از امام شعار دادند. در جلسه‌ای که در منزل

در روز اربعین شهدای ۱۷ شهریور، در مشهد تعطیلی عمومی و مجالس سوگواری برپا شد و کلیه مغازه‌های شهر حتی در نقاط دوردست هم تعطیل شدند و مأموران حکومت نظامی در نقاط مختلف شهر خصوصا در خیابان‌های منتهی به حرم مستقر شده بودند.

آیت‌الله قمی تشکیل شده بود مجلس به تشنج کشیده شد و اجتماع‌کنندگان قصد خروج از منزل و راهپیمایی در خیابان‌ها را داشتند. روزنامه‌ها درباره حوادث اتفاق افتاده در این روز چنین می‌نویسند:

مشهد هم امروز یکپارچه تعطیل و سوگواری بود. کلیه مغازه‌های شهر حتی از نقاط دور از مرکز شهر تعطیل بود، سکوت غم‌آلودی از اولین ساعات روز بر مشهد حاکم بود. مأموران حکومت نظامی در نقاط مختلف شهر، خصوصا در خیابان‌های خسروی، نادری،

خسروی نو، پایین خیابان و اطراف فلکه حرم مطهر مستقر شده بودند. از آغاز بامداد، گروه‌های مختلف مردم پیاده یا با وسایل نقلیه موتوری به سمت فلکه حرم مطهر و محل سکونت آیات عظام در حرکت بودند، اما مأموران انتظامی و حکومت نظامی که در اطراف منازل و کوچه‌های منتهی به منازل آیات عظام مستقر بودند، از تجمع افراد جلوگیری نمودند. در عین حال از اولین ساعات بامداد تا ساعت ۱۱/۳۰ عده کثیری در صحن عتیق اجتماع کردند، اجتماع‌کنندگان که کثرت آنها صحن عتیق را پر کرده بود، به طرفداری از حضرت آیت‌الله خمینی شعار می‌دادند و صلوات می‌فرستادند. در طول تظاهرات اعلامیه‌هایی پخش شد و اعلامیه‌هایی نیز بر در و دیوار صحن زده شده بود.^۱ جمعیت سپس راهی خیابان‌های شهر شدند. تظاهرکنندگان در گروه‌های پراکنده و به صورت خیلی آرام اقدام به راهپیمایی در خیابان نادری کردند، اما مأموران انتظامی با خودروهای سنگین، تظاهرات‌کنندگان را متفرق کردند. امروز همچنین گروه‌هایی از طبقات مردم از جمله دانشجویان و دانش‌آموزان در خانه حضرت آیت‌الله قمی اجتماع کردند. رفته‌رفته بر تعداد این گروه افزوده شد به طوری که کوچه‌های اطراف منزل حضرت آیت‌الله، از جماعت موج می‌زد. اجتماع‌کنندگان که پرچم و پلاکاردهای گوناگون در دست داشتند به سخنرانی چند واعظ گوش فرا دادند سپس به درخواست آیت‌الله قمی به صورت خیلی آرام راهی منازل خود شدند. در پی پراکنده شدن مردم، مسئولین انتظامی بر تعداد خودروها و سربازان مسلح مناطق مختلف شهر از جمله چهارراه نادری افزودند و اقدام به متفرق کردن تظاهرات‌کنندگان نمودند و در چهارراه یک ماشین آتش‌نشانی آب مخلوط به مواد رنگی بر روی تظاهرات‌کنندگان می‌پاشید. گروه‌های کثیر دیگری از مردم مشهد نیز امروز در منازل آقایان انصاری و مرعشی اجتماع کردند و به سخنرانی واعظان گوش فرا دادند. مأموران مسلح که در کوچه‌های اطراف منازل این دو مستقر بودند از ورود مردم به منازل آنها جلوگیری می‌کردند.^۲

در این زمان، آیت‌الله شیرازی که به علت کسالت و جهت معالجه در باغ مخصوص در گلستان مشهد به سر می‌برد، با اصرار علما به شهر برگشت و در مجلسی که در منزل مهدی نوقانی تشکیل شده بود حضور یافت و سخنرانی کرد. در این جلسه روحانیان مشهد از جمله سید کاظم مرعشی، خامنه‌ای، فلسفی، میرزا جواد تهرانی و جمعی دیگر از علمای حوزه علمیه و حدود ۲ هزار نفر از مردم حضور داشتند. پس از اتمام سخنرانی در منزل نوقانی، مردم به مدرسه آیت‌الله خویی رفتند و در آنجا آیات عظام مرعشی و خامنه‌ای به مدت ۱۰ دقیقه برای حضار سخنرانی کردند. در نهایت این مجلس با دخالت مأموران برهم زده شد.^۱

ج. محاصره منازل آیات شیرازی و قمی

به دنبال فعالیت‌های علمای مشهد، ساواک خراسان که از این جریان‌ات احساس خطر کرده بود منازل آیات شیرازی و قمی را مورد کنترل شدید قرار داد و به منظور ممانعت از اجتماع مردم در این دو بیت، کوچه‌های منتهی به آنها را مسدود ساخت. ساواک حتی از ورود بستگان و نزدیکان آیت‌الله شیرازی به منزل ایشان ممانعت کرد. متعاقب این مسئله آیت‌الله شیرازی اعلام کرد که در صورت ادامه یافتن این روند، در منزلش را می‌بندد و از برگزاری نماز جماعت و تدریس خودداری خواهد کرد. این تهدیدات باعث شد تا پس از گذشت ۴ روز، محاصره منزل او شکسته شود. اما با وجود این آیت‌الله شیرازی به

به دنبال فعالیت‌های علمای مشهد، ساواک خراسان که از این جریان‌ات احساس خطر کرده بود منازل آیات شیرازی و قمی را مورد کنترل شدید قرار داد و به منظور ممانعت از اجتماع مردم در این دو بیت، کوچه‌های منتهی به آنها را مسدود ساخت. ساواک حتی از ورود بستگان و نزدیکان آیت‌الله شیرازی به منزل ایشان ممانعت کرد. متعاقب این مسئله آیت‌الله شیرازی اعلام کرد که در صورت ادامه یافتن این روند، در منزلش

را می‌بندد و از برگزاری نماز جماعت و تدریس خودداری خواهد کرد. این تهدیدات باعث شد تا پس از گذشت ۴ روز، محاصره منزل او شکسته شود. اما با وجود این آیت‌الله شیرازی به

علت توهین به روحانیت از اقامه نماز جماعت و برگزاری درس خودداری کرد و روحانیت مشهد نیز به تأسی از ایشان از اقامه نماز جماعت و تدریس خودداری کردند.^۱

تجمع افراد در منزل آیت‌الله قمی و اعتراض به هیئت حاکمه هم باعث شد تا مأموران فرمانداری نظامی مشهد منزل ایشان را از صبح روز ۵۷/۷/۲۵ محاصره کنند. این اقدام برای ممانعت از برپایی اجتماعات در مقابل منزل ایشان صورت گرفت. با وجود این، حدود ۲ هزار نفر از مردم، از طریق پشت بام‌ها خود را به مقابل منزل آیت‌الله قمی رساندند و در مقابل منزل ایشان اجتماع کردند. مدرسه نواب هم توسط مأموران محاصره شد و از ورود و خروج طلاب به این مدرسه جلوگیری به عمل آمد.^۲ در همین حال از سوی فرزند آیت‌الله شیرازی در مورد محدودیت‌های ایجادشده برای ایشان اعلامیه‌ای در مشهد منتشر شد. ایشان در این اعلامیه محاصره نظامی منزل والدش را جسارت بزرگی به مقام شامخ روحانیت و مرجعیت دانست و با اشاره به حادثه کرمان، این حوادث را موجب تألم و تأثر عموم طبقات مسلمانان خواند.

د. اعتراض به حادثه کرمان

برپایی تظاهرات در چهل شهدای ۱۷ شهریور در بعضی از شهرها حادثه‌ساز شد. در این روز رژیم با یورش به مردم کرمان که در مسجد جامع این شهر گرد آمده بودند بار دیگر به کشتار مردم دست یازید و حرمت مسجد، این خانه امن الهی، را شکست. در این حادثه ۴۸ نفر به شدت مجروح شدند.^۳ نظیر چنین حوادثی در شهرهای دزفول، میناب، زنجان و اندیشک هم اتفاق افتاد. به دنبال این وقایع، اساتید، کارکنان و دانشجویان مراکز پزشکی دانشگاه فردوسی با صدور اعلامیه‌ای این حوادث را ناگوار دانسته و ضمن محکوم کردن این اعمال ضدانسانی حکومت، مراتب حمایت خود را از خواسته‌های قانونی ملت ایران، از جمله آزادی بدون قید و شرط تمام زندانیان سیاسی، اعلام کردند. آنها ضمن همدردی با ملت و گرامیداشت شهدای

۱. بایگانی مرکز اسناد انقلاب اسلامی، شماره بازیابی ۱۵۸۷، سند ش ۵۵.

۲. اطلاعات، ش ۱۵۷۳۹ (۵۷/۷/۲۶): ص ۴.

۳. همان، ش ۱۵۷۳۵ (۵۷/۷/۲۵): ص ۲۱.

کشتارهای اخیر و تأکید بر حفظ وحدت و همبستگی در هفته همبستگی اعلام کردند که از ۵۷/۸/۸ به مدت ۲۴ ساعت اعتصاب غذا خواهند کرد.^۱

آیت‌الله قمی نیز در ۵۷/۷/۲۷، برابر با ۱۵ ذی‌قعدة ۱۳۹۸، اعلامیه‌ای در خصوص کشتار مردم کرمان و دیگر شهرستان‌ها در ۲۴ مهر و همچنین چهل شهدای ۱۷ شهریور صادر کرد. ایشان ضمن ابراز تنفر از اقدام رژیم به کشتار مردم شهرهای مختلف در روز ۲۴ مهر به دلیل حضور در مراسم گرامیداشت یاد و خاطره شهدای حادثه تهران، به دو حادثه مشهد اشاره کرد که حاکی از تناقض عمل رژیم با سخنانش مبنی بر وجود آزادی و دموکراسی و احترام به اسلام و روحانیت است، بود:

۱. در روز دوشنبه ۲۴ مهرماه توسط مسئولان حکومت نظامی نسبت به علما و روحانیونی که مورد احترام مردم بودند، بی‌احترامی شد.
۲. منزل شیرازی مورد محاصره قرار گرفته [و] در روز سه شنبه ۲۵ مهرماه، فرهنگیان و دانش‌آموزان مورد ضرب و شتم قرار گرفتند.^۲

◆ سخن پایانی

گسترش اعتراضات مردمی پس از راهپیمایی عید فطر باعث شد تا هیئت دولت در بعدازظهر روز پنجشنبه مورخ ۵۷/۶/۱۶ جلسه‌ای اضطراری با حضور شورای امنیت ملی تشکیل دهد تا پیرامون راه‌های مقابله با گسترش تظاهرات و وقایعی که گریبانگیر کشور بود به تبادل نظر بپردازند.

در این جلسه نخست‌وزیر، شریف امامی، که ریاست جلسه را برعهده داشت، پیشنهاد کرد که جهت یکسره نمودن کار و ایجاد خفقان، در اکثر شهرهای کشور، حکومت نظامی اعلام گردد.

۱. بایگانی مرکز اسناد انقلاب اسلامی، شماره بازیابی ۱۲۹، سندش ۲۷۰.

۲. اسناد انقلاب اسلامی، ج ۵، ص ۲۴۵-۲۴۳.

این نظر از سوی تمامی اعضای شرکت‌کننده پذیرفته شد. جلسه مذکور تا پاسی از شب ادامه یافت. پس از گفتگوهای فراوان در مورد اعلام حکومت نظامی و مشورت‌های تلفنی با شاه، در نهایت، متنی توسط منوچهر آزمون، وزیر مشاور در امور اجرایی، تهیه و قرار شد از روز ۱۷ شهریور در ۱۲ شهرکشور^۱ حکومت نظامی اعلام گردد.

مردم بی‌اعتنا به حکومت نظامی در راهپیمایی عظیم ۱۷ شهریور شرکت کردند. رژیم که از مهار جمعیت مستأصل شده بود مردم را به گلوله بست. کشته و زخمی شدن عده‌ای از مردم در این روز در شهرها به ویژه در تهران و مشهد با واکنش‌های شدید روحانیت مواجه شد. علمای مشهد با صدور اعلامیه و برپایی مجالس سوگواری، تظاهرات و راهپیمایی مکرر مراتب اعتراض خود را نسبت به این حادثه اعلام کردند.

حادثه ۱۷ شهریور هر چند باعث کشته و زخمی شدن عده‌ای در تهران و سایر شهرستان‌ها شد اما جای هیچ تردیدی را در اراده ملت برای سرنگونی رژیم پهلوی باقی نگذاشت و نهضت را گامی به پیروزی نزدیکتر ساخت.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی